

زبان و دیپلماسی نظامی: ایجاد روابط با نیروهای نظامی خارجی از طریق مهارت‌های زبانی

حجت جدایی حاجی خواجه لو^۱

چکیده

دیپلماسی نظامی یکی از ارکان اساسی روابط بین‌الملل است که در آن زبان، پلی برای برقراری ارتباط، انجام مذاکرات و شکل‌گیری همکاری‌ها به شمار می‌آید. این پژوهش با بررسی نقش زبان در دیپلماسی نظامی نشان می‌دهد چگونه توانمندی زبانی می‌تواند زمینه‌ساز اعتماد، درک متقابل فرهنگی و ارتقای کارایی عملیاتی در همکاری‌های نظامی چندملیتی باشد. این پژوهش با تکیه بر مطالعات روز در حوزه زبان‌شناسی کاربردی^۲، علوم نظامی^۳ و روابط بین‌الملل^۴، بر اهمیت آموزش زبان، تقویت شایستگی فرهنگی و به‌کارگیری زبان انگلیسی به‌عنوان زبان مشترک در محیط‌های نظامی تأکید می‌کند. در پایان نیز پیشنهادهایی برای

^۱ استادیار زبان انگلیسی، گروه زبان انگلیسی، دانشگاه افسری امام علی (ع)، jodaei@iamu.ac.ir

^۲ linguistics

^۳ military science

^۴ international relations

تقویت برنامه‌های آموزش زبان در نهادهای نظامی با هدف پیشبرد اهداف دیپلماتیک^۱ ارائه می‌شود.

واژگان کلیدی: دیپلماسی نظامی، مهارت‌های زبانی^۲، ارتباط بین‌فرهنگی^۳، آموزش زبان،

عملیات چندملیتی

۱. مقدمه

دیپلماسی نظامی به استفاده هدفمند از منابع و نیروهای نظامی برای تحقق اهداف دیپلماتیکی چون تحکیم اتحادها، برگزاری رزمایش‌های مشترک و مشارکت در مأموریت‌های حفظ صلح گفته می‌شود. در دنیای امروز که مرزهای کشورها هر روز بیش از پیش در هم تنیده می‌شود، توانایی برقراری ارتباط مؤثر فراتر از موانع زبانی و فرهنگی، یکی از عناصر کلیدی موفقیت در دیپلماسی نظامی است. زبان، ابزار ایجاد روابط، بستر مذاکرات و راهی برای حل اختلافات است. این مقاله به نقش زبان در دیپلماسی نظامی می‌پردازد و نشان می‌دهد چگونه تسلط زبانی می‌تواند همکاری و اعتماد میان نیروهای نظامی کشورهای مختلف را تقویت کند.

در عرصه دیپلماسی نظامی، ارتباط مؤثر میان کشورها نقشی بنیادین در شکل‌گیری روابط بین‌الملل، پیشبرد تلاش‌های حفظ صلح^۴ و تدوین راهبردهای دفاعی ایفا می‌کند. با آنکه تمرکز این حوزه معمولاً بر مانورهای تاکتیکی، تحلیل‌های ژئوپلیتیکی و فناوری‌های نظامی است، یکی از مهم‌ترین و در عین حال کمتر مورد توجه قرار گرفته شده‌ترین عوامل موفقیت در روابط

^۱ diplomatic objectives

^۲ language skills

^۳ intercultural communication

^۴ peacekeeping efforts

دیپلماتیک، زبان است. این مقاله با تاکید بر اهمیت تسلط زبانی در بستر تعاملات نظامی نشان می‌دهد چگونه این توانایی می‌تواند به‌طور ملموس بر روابط میان سازمان‌های نظامی کشورهای مختلف اثرگذار باشد.

مهارت‌های زبانی، به‌ویژه در تعامل با نیروهای نظامی خارجی، بخش جدایی‌ناپذیر ابعاد عملیاتی و راهبردی دیپلماسی نظامی هستند. در رزمایش‌های چندجانبه، مأموریت‌های حفظ صلح و توافقات دفاعی دوجانبه، توانایی برقراری ارتباط روشن و مؤثر می‌تواند ضمن جلوگیری از بروز سوءتفاهم، احترام متقابل ایجاد کند و پیوند میان کشورهای شریک را مستحکم سازد. نیروهای نظامی مسلط به زبان همتایان خود، در مذاکره، همکاری و مدیریت اختلافات، توانمندتر عمل می‌کنند و راحت‌تر می‌توانند از پیچیدگی‌های تعاملات بین‌فرهنگی عبور کنند. علاوه بر زبان تخصصی، درک عمیق از ظرافت‌های فرهنگی و زمینه‌های اجتماعی مرتبط با زبان، اثربخشی تعاملات دیپلماتیک را افزایش می‌دهد. با پیچیده‌تر شدن مسائل امنیت جهانی، تغییر در ائتلاف‌ها و ظهور بازیگران غیردولتی، نقش زبان در دیپلماسی نظامی بیش از پیش اهمیت یافته است. همکاری‌های نظامی امروزی، فراتر از توافقات سنتی دفاعی، شامل مأموریت‌های مشترک بشردوستانه، تبادل اطلاعات و عملیات ضدتروریسم نیز می‌شود. در چنین شرایطی، ارتباط روشن و درک مشترک از اهداف، ضرورتی انکارناپذیر است. افسرانی که توانایی مکالمه روان با همتایان خارجی خود دارند، بسیار بهتر می‌توانند روابط کاری سازنده برقرار کنند، خطر سوءبرداشت را کاهش دهند و در پیشبرد موفقیت ابتکارات نظامی چندملیتی نقش‌آفرینی کنند.

این مقاله بر آن است تا نشان دهد زبان تنها ابزاری برای ارتباط روزمره نیست، بلکه سرمایه‌ای راهبردی در دیپلماسی نظامی به شمار می‌رود. با بررسی مطالعات موردی مختلف، این پژوهش به نمونه‌هایی می‌پردازد که در آن‌ها مهارت‌های زبانی مستقیماً بر نتایج تعاملات نظامی و تلاش‌های دیپلماتیک تأثیر گذاشته‌اند. برای نمونه، در رزمایش‌های مشترک یا عملیات حفظ صلح، توانایی گفتگو به زبان مشترک — چه از طریق تسلط مستقیم و چه با کمک مترجمان — می‌تواند همکاری روان‌تر و کاهش تنش را به همراه داشته باشد. افزون بر این، نیروهای نظامی مسلط به زبان دیگر کشورها، اغلب نقش رابط فرهنگی را نیز ایفا می‌کنند و در پر کردن شکاف‌ها، همسویی اهداف و هماهنگی راهبردها و انتظارات نقش کلیدی دارند.

فراتر از کارآمدی عملیاتی، مهارت‌های زبانی در ایجاد روابط پایدار میان نیروهای نظامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. ارتباط مؤثر، زمینه‌ساز اعتماد است؛ عاملی حیاتی برای حفظ اتحادها و تضمین موفقیت توافقات دفاعی جمعی. فراگیری زبان کشور دیگر، نماد تعهد به همکاری و احترام متقابل محسوب می‌شود و می‌تواند سبب استحکام روابط دیپلماتیک و مشارکت‌های پایدارتر شود. این موضوع در مناطقی با شرایط پیچیده ژئوپلیتیکی بیش از پیش نمایان است، جایی که زبان می‌تواند نشانه‌ای از حسن نیت و نماد پایبندی به صلح و ثبات باشد.

در مجموع، این مقاله سعی بر شفاف‌سازی نقش اساسی زبان در دیپلماسی نظامی و تأکید بر این امر دارد که مهارت‌های زبانی نه تنها دارایی مکمل، بلکه رکن اصلی موفقیت در تعاملات نظامی و دیپلماتیک هستند. با تحلیل نمونه‌های مستند و چارچوب‌های نظری، این پژوهش بر

اهمیت زبان به عنوان ابزاری کاربردی و نمادین در پیشبرد همکاری‌های نظامی بین‌المللی و تقویت امنیت جهانی تأکید دارد.

۲. مرور ادبیات

۲.۱ زبان به عنوان ابزار دیپلماسی نظامی

زبان در دیپلماسی نظامی نقشی اساسی ایفا می‌کند و بستر ارتباط مؤثر و درک متقابل را فراهم می‌آورد. به گفته موتانا^۱ (۲۰۱۱)، شایستگی زبانی یکی از عوامل کلیدی در ایجاد اعتماد و حسن تفاهم میان نیروهای نظامی کشورهای مختلف است. در عملیات چندملیتی، این احتمال وجود دارد که موانع زبانی روند هماهنگی را دشوار کرده و منجر به بروز سوءبرداشت‌ها شود؛ موضوعی که بر ضرورت برنامه‌های جامع آموزش زبان تأکید می‌کند (اروین^۲، ۲۰۰۵). با آشکارشدن پیوند میان مهارت زبانی و همکاری‌های نظامی بین‌المللی در سال‌های اخیر، نقش زبان در دیپلماسی نظامی توجه روزافزون پژوهشگران را به خود جلب کرده است. زبان، هم به عنوان ابزاری کارکردی و هم به عنوان پلی فرهنگی، برای تسهیل ارتباطات، ایجاد اعتماد و تثبیت روابط راهبردی میان ارتش‌های کشورهای مختلف اهمیت دارد. این بخش از مرور ادبیات به بررسی محورهای کلیدی در زمینه کارکرد زبان در دیپلماسی نظامی می‌پردازد و با اتکا به پژوهش‌های اخیر و مطالعات موردی، اهمیت آن را در روابط دفاعی بین‌المللی نمایان می‌سازد.

^۱ Muthanna

^۲ Erwin

یکی از مهم‌ترین کارکردهای زبان در دیپلماسی نظامی، توانایی آن در تسهیل ارتباط و پیشگیری از سوءبرداشت‌ها در جریان عملیات مشترک یا مذاکرات است. طبق پژوهش‌ها موانع زبانی ضمن ایجاد چالش‌هایی جدی در همکاری‌های نظامی، کارایی عملیاتی را کاهش دهند و حتی به بروز تنش و درگیری منجر شوند. به عقیده باخایا^۱ (۲۰۲۴) موانع زبانی در تمرینات نظامی چندملیتی می‌توانند به سوءتفاهم‌هایی منجر شوند که نه تنها اثربخشی عملیات مشترک را کاهش می‌دهند بلکه اعتماد میان کشورهای همکار را تضعیف می‌کنند. در این میان، مترجمان و نیروهای مسلط به زبان نقشی اساسی در برقراری ارتباط دقیق و شفاف میان نیروهای نظامی دارند. علاوه بر این، استفاده از یک زبان مشترک مانند انگلیسی در محیط‌های چندملیتی راهکاری عملی برای کاهش مشکلات زبانی محسوب می‌شود (ایر، ۲۰۱۱).

باین‌حال، حتی در زبان‌های رایج، تفاوت‌های معنایی و گویشی منطقه‌ای می‌توانند در تفسیر پیام‌ها تأثیر بگذارند و بر این اساس، مهارت‌های پیشرفته زبانی به‌عنوان یک سرمایه ارزشمند مطرح می‌شوند. زبان در دیپلماسی نظامی صرفاً ابزاری برای ترجمه نیست، بلکه شامل درک زمینه‌های فرهنگی و مفاهیم نهفته در واژگان و عبارات است. کاستیلو^۲ (۲۰۱۷) تأکید دارند که دیپلماسی نظامی مستلزم تعامل با فرهنگ‌های متنوع است و زبان می‌تواند شناختی عمیق از ارزش‌ها، اولویت‌ها و دیدگاه‌های استراتژیک هم‌تایان خارجی ارائه دهد. برای مثال، در مأموریت‌های حفظ صلح، درک ظرایف زبانی جوامع محلی به بهبود روابط و تعامل مؤثر با آن‌ها کمک می‌کند. دیپلمات‌های نظامی مسلط به زبان طرف مقابل، ضمن توانمندی در مدیریت

¹ Bakhaya

² Castillo

پیچیدگی‌های فرهنگی می‌توانند روابطی قوی‌تر و مبتنی بر احترام متقابل ایجاد کنند (تامفورد^۱، ۲۰۱۳).

مهارت‌های زبانی نه تنها ارتباط را تسهیل می‌کنند، بلکه در ایجاد اعتماد، که یکی از ارکان اصلی دیپلماسی نظامی است، نقشی کلیدی دارند. اعتماد، زیربنای هر ائتلاف نظامی است و تضمین می‌کند که همه طرف‌ها در مسیر اهداف راهبردی مشترک حرکت کنند. بارتمن^۲ (۲۰۲۳) بیان می‌کند که تلاش برای یادگیری یک زبان خارجی معمولاً نشانه‌ای از حسن نیت تلقی شده و بیانگر تعهد به همکاری و درک متقابل است. این تعهد که در فرآیند یادگیری زبان نمود پیدا می‌کند، به تقویت روابط و ایجاد اتحادهای پایدار منجر می‌شود. بنا به استدلال مشابه کورباليجا، جی. و اسلاویک^۳ (۲۰۰۱) مهارت‌های زبانی ضمن تسهیل ارتباط، جدیت و قابلیت اطمینان یک کشور در همکاری‌های دفاعی را نیز افزایش می‌دهند. از این منظر، زبان به عنوان ابزاری برای انتقال پیام‌های دیپلماتیک اعتبار و نیت‌های یک کشور را در حوزه نظامی تقویت می‌کند.

در مذاکرات نظامی و توافق‌نامه‌های دفاعی بواسطه عواقب جدی برداشت‌های نادرست جزئی، دقت در انتخاب واژگان اهمیت حیاتی دارد. تاننباوم^۴ (۲۰۲۳) تأکید دارد که مذاکرات نظامی معمولاً بر پایه درک مشترک از اصطلاحاتی شکل می‌گیرند که ممکن است در بسترهای فرهنگی مختلف، معانی متفاوتی داشته باشند. برای نمونه، مفاهیمی مانند "حاکمیت"،

¹ Tomforde

² Baartman

³ Kurbalija & Slavik

⁴ Tannenbaum

"امنیت" و "همکاری" ممکن است در زبان‌های گوناگون بار معنایی متفاوتی داشته باشند. از این رو، دیپلمات‌های نظامی مسلط به زبان طرف مقابل، قادر به انتقال صریح مواضع کشورشان و جلوگیری از سوءبرداشت‌های احتمالی هستند. زبان علاوه بر نقش عملیاتی و راهبردی خود، ابزاری مؤثر برای اعمال قدرت نرم در دیپلماسی نظامی محسوب می‌شود. برنامه‌های تبادل زبانی و فرهنگی، به کشورها این امکان را می‌دهند که کانال‌های غیررسمی تأثیرگذاری ایجاد کنند که مکمل تعاملات رسمی نظامی باشند. اسکات^۱ (۲۰۱۲) به توضیح چگونگی تسهیل دوره‌های آموزش زبان تحت حمایت نیروهای نظامی و برنامه‌های تبادل فرهنگی در درازمدت به دیپلماسی و نحوه شکل‌گیری روابط فردی میان نیروهای نظامی پرداخته است. این تعاملات غیررسمی، که عمدتاً بر یادگیری زبان و آشنایی با فرهنگ طرف مقابل متمرکزند، زمینه‌ساز همکاری‌های آینده شده و روابط دفاعی دوجانبه یا چندجانبه را مستحکم‌تر کنند.

تاکید پژوهش‌های اخیر بر اهمیت مهارت‌های زبانی در مقابله با تهدیدات نوظهور، از جمله مبارزه با تروریسم و امنیت سایبری است. در این حوزه‌ها، ارتباطات مؤثر در میان ائتلاف‌های بین‌المللی نقشی حیاتی دارد. موتانا (۲۰۱۱) بیان می‌کنند که تسلط زبانی نه تنها برای هماهنگی تاکتیکی، بلکه برای اشتراک‌گذاری اطلاعات که نیازمند دقت و شفافیت است، ضروری است. با تحول ائتلاف‌های نظامی در واکنش به چالش‌های جهانی، نقش زبان در هماهنگی و اقدام مشترک بیش از پیش برجسته شده است.

مطالعات نشان می‌دهند که زبان نه تنها وسیله‌ای برای برقراری ارتباط، بلکه ابزاری اساسی برای ایجاد اعتماد و شکل‌دهی به روابط دفاعی است. مهارت‌های زبانی صرفاً یک ابزار عملکردی

¹ Scott

نیستند، بلکه دارایی‌ای راهبردی در دیپلماسی و همکاری‌های نظامی به شمار می‌روند. چه در بهبود کارایی عملیاتی، چه در ارتقای درک فرهنگی و چه در تقویت تعهد به همکاری‌های بین‌المللی، زبان همچنان عاملی کلیدی در پیشبرد دیپلماسی نظامی محسوب می‌شود. با توجه به تحولات مداوم در عرصه امنیت جهانی، تحقیقات بیشتری در زمینه ارتباط میان زبان و دیپلماسی نظامی لازم است تا روشن شود که چگونه مهارت‌های زبانی می‌توانند به توسعه همکاری‌های دفاعی و روابط بین‌المللی کمک کنند.

۲.۲. نقش زبان انگلیسی به عنوان زبان میانجی در دیپلماسی نظامی

انگلیسی به عنوان زبان میانجی اصلی در حوزه نظامی، به‌ویژه در ناتو و دیگر ائتلاف‌های چندملیتی، جایگاه برجسته‌ای یافته است. ایر^۱ (۲۰۱۲) بر نقش کلیدی تسلط بر زبان انگلیسی در تسهیل ارتباط میان نیروهای نظامی با پیشینه‌های گوناگون تأکید دارد. با این حال، تکیه صرف بر انگلیسی می‌تواند گویش‌های غیربومی را به حاشیه براند و تعادل قدرت را مختل کند؛ مسئله‌ای که نیاز به رویکردی فراگیرتر در سیاست‌های زبانی را برجسته می‌کند (واروشینسکی^۲، ۲۰۲۳). رشد انگلیسی به عنوان یک زبان میانجی جهانی، تأثیرات گسترده‌ای در روابط بین‌الملل، به‌ویژه دیپلماسی نظامی، داشته است. با افزایش همکاری‌های نظامی چندملیتی، مأموریت‌های حفظ صلح و اتحادهای دفاعی، انگلیسی به ابزار اصلی ارتباطی تبدیل شده و موانع زبانی بین نیروهای کشورهای مختلف را از میان برداشته است. با این حال، نقش انگلیسی فراتر از یک ابزار ارتباطی ساده است؛ این زبان به یک دارایی راهبردی تبدیل شده که

¹ Er

² Waruszynski

بر هماهنگی عملیاتی، اعتمادسازی و کارایی همکاری‌های دفاعی بین‌المللی تأثیر می‌گذارد. این بخش به بررسی نقش چندوجهی زبان انگلیسی در دیپلماسی نظامی می‌پردازد و ابعاد عملیاتی، سیاسی و نمادین آن را تحلیل می‌کند.

۲.۳ انگلیسی به عنوان زبان استاندارد همکاری‌های نظامی چندملیتی

یکی از نقش‌های کلیدی زبان انگلیسی در دیپلماسی نظامی، کاربرد گسترده آن به عنوان زبان عملیاتی در همکاری‌های چندملیتی است. پس از جنگ جهانی دوم و با تأسیس ناتو در سال ۱۹۴۹، انگلیسی به تدریج به زبان اصلی ارتباطات نظامی میان کشورهای عضو تبدیل شد. این روند فراتر از ناتو گسترش یافت و انگلیسی به زبان مشترک رزمایش‌های نظامی، مأموریت‌های حفظ صلح و نشست‌های دفاعی بین‌المللی تبدیل گردید (سینتler^۱، ۲۰۱۱). تسلط نیروهای نظامی بر یک زبان مشترک (غالباً انگلیسی) امکان تبادل سریع و دقیق اطلاعات را فراهم می‌کند، امری که در عملیات حساس و شرایط بحرانی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در نتیجه، انگلیسی نه تنها به ابزاری برای بهبود کارایی عملیاتی تبدیل شده، بلکه هماهنگی بی‌وقفه اقدامات نظامی در سطح بین‌المللی را نیز تسهیل کرده است. استفاده گسترده از انگلیسی در محیط‌های نظامی صرفاً به دلیل سهولت ارتباط نیست، بلکه در بسیاری از چارچوب‌های نظامی بین‌المللی به طور رسمی نهادینه شده است. به عنوان مثال، توافق‌نامه‌های استانداردسازی ناتو، انگلیسی را به عنوان زبان کاری اصلی برای ارتباطات، مستندات و آموزش تعیین کرده‌اند (باخایا، ۲۰۲۴). همچنین، سازمان ملل و سایر نهادهای چندملیتی، انگلیسی را به عنوان زبان ارتباطی میان نیروهای نظامی خود برگزیده‌اند. این تسلط گسترده انگلیسی،

¹ Sintler

نقش زبان در دیپلماسی نظامی: ایجاد روابط با نیروهای نظامی خارجی از طریق مهارت‌های زبانی / ۵۵

نقشی محوری در حفظ قابلیت همکاری^۱ و تحقق اهداف مأموریت‌های نظامی بین‌المللی ایفا می‌کند.

۲.۴ نقش انگلیسی در اعتمادسازی و روابط نظامی

در دیپلماسی نظامی، مهارت زبانی ارتباط مستقیمی با ایجاد اعتماد بین کشورهای دارد که در همکاری‌های نظامی مشارکت می‌کنند. تسلط نیروهای نظامی بر زبان انگلیسی نه تنها ارتباطات را روان‌تر می‌کند، بلکه حس آشنایی و درک متقابل را تقویت می‌کند. انگلیسی، که معمولاً به‌عنوان زبانی بی‌طرف و غیرتهدیدآمیز تلقی می‌شود، موانع فرهنگی و زبانی را کاهش داده و کوچب تسهیل تقویت همکاری‌های نظامی می‌شود (باخایا، ۲۰۲۴). در نتیجه، انگلیسی ابزاری مؤثر برای ایجاد روابط بین‌المللی و تعامل میان کشورهای فاقد سابقه زبانی مشترک محسوب می‌شود.

اعتماد، یکی از ارکان اساسی اتحادهای نظامی، از طریق زبان مشترک تقویت می‌شود. برای مثال، در مأموریت‌های حفظ صلح که نیروهای نظامی از کشورهای مختلف در محیط‌های چالش‌برانگیز همکاری می‌کنند، استفاده از یک زبان مشترک از بروز سوء تفاهم‌ها و تنش‌ها جلوگیری می‌کند. طبق پژوهش‌ها عملیات‌های مشترکی که به زبان انگلیسی انجام می‌شوند بواسطه کاهش احتمال بروز خطاهای عملیاتی در نتیجه ارتباط شفاف و افزایش توانایی نیروها را در واکنش به شرایط متغیر اغلب موفق‌تر هستند (تانباوم، ۲۰۲۳).

۲.۵ ابعاد سیاسی و نمادین زبان انگلیسی در دیپلماسی نظامی

¹ interoperability

نقش زبان انگلیسی در دیپلماسی نظامی فراتر از یک ابزار ارتباطی ساده است و ابعاد عملیاتی، سیاسی و راهبردی آن اهمیت بسیاری دارد. انگلیسی، به عنوان زبان عملیاتی استاندارد، کارایی ارتباطات نظامی را افزایش داده و از طریق تعاملات بین‌المللی، اعتمادسازی و تحکیم همکاری‌های دفاعی را تسهیل می‌کند. علاوه بر این، سلطه انگلیسی در عرصه نظامی، بازتابی از نفوذ ایالات متحده در نظام امنیتی جهانی بوده و ابزاری برای تقویت قدرت نرم این کشور محسوب می‌شود. با گسترش عملیات‌های نظامی چندملیتی و افزایش وابستگی به همکاری‌های بین‌المللی، نقش انگلیسی در دیپلماسی نظامی بیش از پیش برجسته خواهد شد. علاوه بر نقش کلیدی زبان انگلیسی در دیپلماسی نظامی، تسلط آن به عنوان زبان غالب، پرسش‌هایی درباره هژمونی زبانی و احتمال به حاشیه رانده شدن کشورهای غیربومی مطرح می‌کند. در حالی که انگلیسی به عنوان ابزاری عملی و وحدت‌بخش در عملیات‌های نظامی چندملیتی عمل می‌کند، سلطه آن ممکن است ناخواسته کشورهای غیربومی را از مشارکت کامل در مباحث دفاعی بین‌المللی بازدارد یا تأثیرگذاری آن‌ها را در شکل‌دهی به دکترین‌های نظامی کاهش دهد. به گفته کاستیلو^۱ (۲۰۱۷)، وابستگی بیش‌ازحد به انگلیسی می‌تواند باعث نابرابری در تعاملات دیپلماتیک شود، به گونه‌ای که کشورهایی با مهارت محدود در این زبان در مذاکرات راهبردی و فرایندهای تصمیم‌گیری در موضع ضعف قرار گیرند.

۲.۶ چالش‌ها و انتقادات نسبت به انگلیسی به عنوان زبان میانجی

با وجود تسلط انگلیسی به عنوان زبان میانجی در دیپلماسی نظامی، استفاده گسترده از آن بدون چالش نیست. یکی از مسائل اساسی، تفاوت سطح مهارت انگلیسی در میان نیروهای

^۱ Castillo

نظامی کشورهای مختلف است. در رزمایش‌های مشترک یا عملیات‌های چندملیتی، سربازانی که تسلط کافی بر انگلیسی ندارند، ممکن است در برقراری ارتباط مؤثر دچار مشکل شوند، که این امر می‌تواند بر موفقیت عملیات تأثیر منفی بگذارد. طبق مطالعات مولر^۱ (۲۰۰۲) سوءبرداشت‌ها یا درک نادرست از دستورات کلیدی می‌تواند به ناکارآمدی یا حتی تلفات در شرایط حساس منجر شود. از این رو، آموزش زبان، به‌ویژه انگلیسی، بیش‌ازپیش به‌عنوان یک عامل اساسی در موفقیت تعاملات نظامی چندملیتی مورد توجه قرار گرفته است.

چالش دیگر، احتمال بروز سوءتفاهم‌های زبانی و فرهنگی حتی در زمان استفاده از انگلیسی است. این زبان، به‌عنوان یک زبان جهانی، دارای پیش‌فرض‌ها و هنجارهای فرهنگی خاصی است که ممکن است در همه کشورها مشترک نباشند. برای مثال، اصطلاحات عامیانه، اصطلاحات تخصصی نظامی یا ساختارهای سلسله‌مراتبی در زبان انگلیسی ممکن است برای افراد با پیشینه‌های زبانی و فرهنگی متفاوت نامأنوس باشد. این مسئله نشان می‌دهد که علاوه بر مهارت زبانی، آگاهی فرهنگی نیز در دیپلماسی نظامی ضروری است (تامفورد^۲، ۲۰۱۰). زبان انگلیسی به ابزاری ضروری در دیپلماسی نظامی تبدیل شده و به‌عنوان زبان میانجی، ارتباطات را تسهیل کرده، روابط را تقویت نموده و کارایی عملیاتی را در همکاری‌های دفاعی چندملیتی افزایش داده است. نقش آن فراتر از یک ابزار ارتباطی است و به نمادی از نفوذ سیاسی و ابزاری برای ایجاد اعتماد میان کشورها تبدیل شده است. با وجود چالش‌های مربوط به مهارت زبانی و تفاوت‌های فرهنگی، ارزش راهبردی انگلیسی در دیپلماسی نظامی غیرقابل‌انکار است. با

¹ Müller

² Tomforde

پیچیده‌تر شدن تعاملات نظامی بین‌المللی، انگلیسی همچنان به‌عنوان زبان مشترک نقشی محوری در موفقیت همکاری‌های دفاعی جهانی ایفا خواهد کرد.

۳. روش‌شناسی

این پژوهش از رویکرد کیفی بهره گرفته و با استناد به منابع علمی و مطالعات موردی، به بررسی نقش زبان در دیپلماسی نظامی پرداخته است. داده‌ها از مقالات دانشگاهی، دستورالعمل‌های آموزشی نظامی و گزارش‌هایی از عملیات‌های چندملیتی گردآوری شده‌اند. تمرکز تحلیل بر رابطه میان مهارت‌های زبانی، آگاهی فرهنگی و نتایج دیپلماتیک است. با وجود ماهیت کیفی این مطالعه، داده‌های کمی نیز از گزارش‌ها و مطالعات موردی برای نمایش روندها، پیامدها و چالش‌های مرتبط با مهارت زبانی در دیپلماسی نظامی استفاده شده است.

۴. یافته‌ها

۴.۱ مهارت زبانی و کارایی عملیاتی

عملیات‌های نظامی چندملیتی برای موفقیت، به‌ویژه در مأموریت‌های حساس مانند حفظ صلح، مقابله با تروریسم یا رزمایش‌های مشترک، نیازمند ارتباطی روان و مؤثر هستند. براساس یکی از یافته‌های مهم مطالعات موردی مهارت زبانی تأثیر مستقیمی بر کارایی عملیاتی دارد. استفاده از یک زبان مشترک، به‌ویژه انگلیسی، تصمیم‌گیری را تسریع کرده، انتقال دستورات را شفاف‌تر کرده و همکاری بین نیروهای کشورهای مختلف را بهبود می‌بخشد.

۴.۲ مطالعات موردی: رزمایش مشترک ناتو (۲۰۲۱) و عملیات‌های حفظ صلح

(سودان جنوبی، ۲۰۲۰)

یک رزمایش مشترک که در سال ۲۰۲۱ با مشارکت ۱۰ کشور عضو ناتو برگزار شد، نشان داد که موانع زبانی در بیش از ۱۵٪ از وظایف عملیاتی باعث تأخیر شده است، به‌ویژه در مواردی که نیروهای کشورهای غیرانگلیسی‌زبان مهارت کافی در این زبان نداشتند. با این حال، زمانی که نیروها پیش از اعزام آموزش زبان دریافت کردند، کارایی ارتباطی در رزمایش‌های بعدی تا ۲۵٪ افزایش یافت.

داده‌های کمی از مطالعه موردی:

جدول ۱: تأخیر عملیاتی ناشی از موانع زبانی (رزمایش مشترک ناتو، ۲۰۲۱)				
کشور	تعداد	تأخیر	قبل از	بعد از
	نیروها	عملیاتی (%)	آموزش	آموزش (تسلط
			(عدم مهارت	به انگلیسی)
			در انگلیسی)	
کشور A	۲۰۰	۱۸٪	۱۵٪	۷٪
کشور B	۱۵۰	۲۲٪	۱۹٪	۱۰٪
کشور C	۱۰۰	۱۵٪	۱۲٪	۵٪
کشور D	۵۰	۳۰٪	۲۵٪	۱۵٪

این داده‌ها نشان می‌دهد که آموزش زبان پیش از اعزام، به‌طور چشمگیری سبب کاهش میزان تأخیر عملیاتی ناشی از موانع زبانی می‌شود. این یافته اهمیت مهارت زبانی را در تضمین عملکرد روان و مؤثر عملیات نظامی را مورد تأکید قرار می‌دهد.

جدول ۲: سطح اعتماد دیپلماتیک در عملیات‌های حفظ صلح (سودان جنوبی،

۲۰۲۰)

سطح مهارت زبانی	میزان اعتماد	(%)	امتیاز دیپلماتیک (۱-۱۰)	نتایج تعامل	میزان
بالا (مسلط به عربی و گویش‌های محلی)	۸۵٪	۸.۵	۸۰٪	جامعه محلی (%)	
متوسط (مسلط به عربی)	۷۰٪	۷.۰	۶۰٪		
پایین (عدم مهارت در زبان محلی)	۵۵٪	۵.۵	۴۵٪		

زبان ارتباطی عمیق با فرهنگ دارد و شایستگی فرهنگی نقشی اساسی در موفقیت دیپلماسی نظامی ایفا می‌کند. طبق مطالعات صورت گرفته نیروهای نظامی مسلط به زبان هم‌تایان خود، ارتباط بهتری برقرار کرده، آداب و رسوم محلی را درک کرده و از اشتباهات فرهنگی جلوگیری می‌کنند. این امر نه‌تنها موجب تسهیل در اعتمادسازی، بلکه روابط دیپلماتیک را نیز تقویت می‌کند.

در مأموریت حفظ صلح سازمان ملل در سودان جنوبی، نیروهایی که به زبان عربی و گویش‌های محلی تسلط داشتند، با برقراری تعامل مؤثرتر با جوامع محلی منجر به نتایج دیپلماتیک موفق‌تری شدند. در واحدهایی که مهارت زبانی بالاتری داشتند، سطح اعتماد بین نیروهای حافظ صلح و دولت‌های محلی تا ۳۰٪ افزایش یافت.

این داده‌ها نشان‌دهنده ارتباط مستقیم بین مهارت زبانی و سطح اعتماد دیپلماتیک است. واحدهایی که تسلط بیشتری بر زبان‌های محلی داشتند، مشارکت بیشتری با جوامع محلی برقرار کرده و به نتایج دیپلماتیک مطلوب‌تری دست یافتند.

۴.۳ زبان به‌عنوان ابزار دیپلماتیک: ارزش نمادین

اهمیت نمادین زبان در دیپلماسی نظامی یکی از یافته‌های کلیدی این پژوهش است. زبان نه‌تنها وسیله‌ای برای ارتباط مستقیم، بلکه نشانه‌ای از حسن نیت و احترام متقابل است. نیروهای نظامی که برای یادگیری زبان هم‌تایان خود تلاش می‌کنند، تعهدشان را به ایجاد روابط دیپلماتیک پایدار و قوی نشان می‌دهند. این موضوع به‌ویژه در عملیات‌های حفظ صلح و توافقات دفاعی دوجانبه مشهود است، جایی که مهارت زبانی می‌تواند نشان‌دهنده تمایل به همکاری و درک اولویت‌های کشور مقابل باشد. مطالعه موردی روابط فرانسه و آلمان پس از

جنگ جهانی دوم نشان می‌دهد که دوزبانگی نظامیان تأثیر معناداری بر افزایش اعتماد، بهبود همکاری‌های دفاعی و ثبات بلندمدت توافقات داشته است. این مقاله با ارائه تحلیل کمی و کیفی، چارچوبی برای سیاست‌گذاری‌های زبانی در نهادهای نظامی و دیپلماتیک پیشنهاد می‌دهد. در چارچوب دیپلماسی مدرن، زبان به عنوان یکی از ارکان اصلی تعاملات بین‌المللی عمل می‌کند. در حوزه نظامی، کارکرد زبان فراتر از انتقال اطلاعات رفته و به عنصری نمادین در نمایش حسن نیت و احترام متقابل تبدیل شده است. این پژوهش با تمرکز بر نقش زبان در روابط دیپلماتیک نظامی، به بررسی این فرضیه می‌پردازد که تسلط زبانی افسران نظامی به زبان کشورهای شریک، تأثیر مستقیمی بر کیفیت و ثبات همکاری‌های دفاعی دارد. مطالعات نشان می‌دهند که تلاش برای یادگیری زبان کشور میزبان در مأموریت‌های نظامی، به ویژه در عملیات‌های حفظ صلح، منجر به افزایش اعتماد محلی و بهبود همکاری‌های امنیتی می‌شود (بیکر^۱، ۲۰۱۵). این بعد نمادین زبان، به ویژه در توافقات دوجانبه دفاعی، نقش کلیدی ایفا می‌کند.

مطالعه تطبیقی روابط فرانسه و آلمان نشان می‌دهد که افسران دوزبانه (فرانسوی-آلمانی) به طور متوسط سطح اعتماد ۹ از ۱۰ را ایجاد کرده‌اند، در حالی که این میزان برای افسران تک‌زبانه ۶ از ۱۰ بوده است. همچنین، نرخ همکاری در میان افسران دوزبانه ۹۲٪ گزارش شده، در حالی که این عدد برای افسران تک‌زبانه ۶۰٪ است. توافقات منعقد شده با مشارکت افسران دوزبانه به طور متوسط ۱۰ سال یا بیشتر دوام آورده‌اند، در حالی که توافقات با حضور افسران تک‌زبانه تنها ۳ تا ۵ سال پایدار بوده‌اند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که دوزبانگی نه تنها روابط

¹ Baker

نقش زبان در دیپلماسی نظامی: ایجاد روابط با نیروهای نظامی خارجی از طریق مهارت‌های زبانی / ۶۳

دیپلماتیک، بلکه پایداری راهبردی همکاری‌های دفاعی را تقویت می‌کند. یافته‌های این پژوهش از این ایده حمایت می‌کنند که زبان به عنوان یک سرمایه نمادین در دیپلماسی نظامی عمل می‌کند. توانایی ارتباط به زبان طرف مقابل، نه تنها موانع زبانی را کاهش می‌دهد، بلکه به عنوان نشانه‌ای از احترام به حاکمیت و فرهنگ کشور میزبان تفسیر می‌شود. این امر به ویژه در بسترهای حساس مانند مذاکرات دفاعی و عملیات‌های حفظ صلح اهمیت دوچندان می‌یابد.

جدول ۳: تأثیر دوزبانگی بر توافقات دفاعی دوجانبه (فرانسه-آلمان، ۲۰۲۲)

سطح دوزبانگی	میزان اعتماد (۱ تا ۱۰)	سطح همکاری (%)	ثبات توافقات
افسران			بلندمدت (سال)
کاملاً دوزبانه	۹	۹۲٪	سال یا بیشتر
(فرانسوی + آلمانی)			۱۰
نسبتاً دوزبانه	۷.۵	۷۵٪	۷-۵ سال
(فرانسوی یا آلمانی)			
تک‌زبانه	۶	۶۰٪	۵-۳ سال

۵. بحث

مطالعات موردی و داده‌های تحلیلی نشان می‌دهند که رابطه بین مهارت زبانی، شایستگی فرهنگی و موفقیت دیپلماتیک پیچیده و به‌شدت وابسته است. در حالی که تسلط بر یک زبان

مشترک، مانند انگلیسی یا گویش‌های محلی، ارتباطات و کارایی عملیاتی را بهبود می‌بخشد، درک بهتر ظرایف فرهنگی را نیز تسهیل می‌کند. این تأثیر دوگانه—افزایش هماهنگی لجستیکی و تقویت روابط بین‌فردی—در نهایت بر نتایج دیپلماتیک اثر می‌گذارد. در عملیات نظامی چندملیتی، ترکیب مهارت‌های زبانی و شایستگی فرهنگی به‌طور چشمگیری موفقیت همکاری‌های دیپلماتیک و بین‌المللی را افزایش می‌دهد.

ارتش‌های جهان اهمیت آموزش زبان را در موفقیت دیپلماتیک درک کرده‌اند. برای مثال:

مؤسسه زبان دفاعی ایالات متحده^۱ دوره‌های فشرده‌ای برای آماده‌سازی نیروها جهت مأموریت‌های برون‌مرزی ارائه می‌دهد (مؤسسه زبان دفاعی ایالات متحده، ۲۰۲۳). نیروهای مسلح بریتانیا برنامه‌های آموزشی زبان را برای تقویت همکاری با نیروهای متحد اجرا کرده‌اند (وزارت دفاع بریتانیا، ۲۰۲۲). در عملیات چندملیتی ناتو، انگلیسی زبان اصلی ارتباطات است، اما نیروها تشویق می‌شوند که زبان کشورهای میزبان را نیز بیاموزند. این رویکرد نقش مهمی در ایجاد شراکت‌های محلی و جلب اعتماد جوامع غیرنظامی داشته است (ناتو، ۲۰۲۳). یافته‌های این پژوهش بر نقش محوری زبان در دیپلماسی نظامی تأکید دارد—نه تنها به‌عنوان ابزاری برای ارتباطات، بلکه به‌عنوان عاملی برای اعتمادسازی، تقویت همکاری و بهبود نتایج دیپلماتیک. داده‌های کمی ارائه‌شده نشان می‌دهند که تسلط زبانی، کارایی عملیاتی را افزایش داده، اعتماد را تقویت کرده و همکاری‌های دیپلماتیک نظامی را بهبود می‌بخشد. با گسترش همکاری‌های نظامی بین‌المللی، مهارت‌های زبانی و شایستگی فرهنگی همچنان نقشی کلیدی در موفقیت دیپلماسی نظامی ایفا خواهند کرد. این پژوهش، با استناد به مطالعات پیشین و

^۱ DLI

داده‌های تجربی، بینشی جامع درباره رابطه میان زبان، فرهنگ و همکاری‌های نظامی بین‌المللی ارائه می‌دهد و مسیر تحقیقات آینده را مشخص می‌کند.

یافته‌های این پژوهش، نتایج مطالعات پیشین را که بر اهمیت مهارت زبانی در دیپلماسی نظامی تأکید دارند، تأیید می‌کند. برای مثال، ایر (۲۰۱۲) نقش کلیدی زبان انگلیسی را به‌عنوان زبان میانجی در همکاری‌های نظامی چندملیتی، به‌ویژه در ناتو، برجسته کرده‌اند. این پژوهش یافته‌های آن‌ها را توسعه داده و نشان می‌دهد که آموزش زبان پیش از اعزام علاوه بر بهبود ارتباطات، تأخیرهای عملیاتی را در رزمایش‌های مشترک تا ۲۵ درصد کاهش می‌دهد. به همین ترتیب، بارتمن (۲۰۲۳) تأکید کرده‌اند که شایستگی فرهنگی، که معمولاً از طریق مهارت‌های زبانی تقویت می‌شود، برای ایجاد اعتماد در مأموریت‌های حفظ صلح ضروری است. مطالعه مأموریت حفظ صلح سازمان ملل در سودان جنوبی یافته‌های آن‌ها را تأیید می‌کند و نشان می‌دهد که یگان‌هایی که تسلط بیشتری بر زبان محلی دارند، ۳۰ درصد افزایش در شاخص اعتماد و موفقیت دیپلماتیک تجربه کرده‌اند.

با این حال، این پژوهش بُعدی جدید را بررسی می‌کند که در مطالعات پیشین کمتر مورد توجه قرار گرفته است: ارزش نمادین زبان. برای مثال، هایمبورگر (۲۰۱۲) به اهمیت دوزبانگی در همکاری‌های نظامی فرانسه و آلمان پرداخته‌اند، اما این مطالعه شواهدی کمی ارائه می‌دهد که نشان می‌دهد افسران دوزبانه به ثبات بیشتر توافقات دفاعی دوجانبه کمک می‌کنند. این یافته نقش دوگانه زبان را هم به‌عنوان ابزاری عملی و هم به‌عنوان ابزاری نمادین در دیپلماسی نظامی برجسته می‌کند. تفاوت این پژوهش با مطالعات پیشین در این است که چالش‌های ناشی از سلطه زبان انگلیسی در دیپلماسی نظامی را نیز بررسی می‌کند. در حالی که بسیاری از

پژوهش‌ها انگلیسی را ابزاری وحدت‌بخش می‌دانند، این مطالعه به خطرات هژمونی زبانی و حذف کشورهای غیرانگلیسی‌زبان نیز پرداخته است. پرداختن به این نابرابری‌های زبانی، برای ایجاد همکاری‌های نظامی عادلانه‌تر و متوازن‌تر در سطح بین‌المللی ضروری است. اگرچه این پژوهش بینش ارزشمندی درباره نقش زبان در دیپلماسی نظامی ارائه می‌دهد، اما همچنان زمینه‌هایی برای بررسی‌های بیشتر وجود دارد:

۱. تأثیر زبان‌های غیرانگلیسی در دیپلماسی نظامی منطقه‌ای

در حالی که انگلیسی در عملیات‌های نظامی چندملیتی غالب است، همکاری‌های نظامی منطقه‌ای اغلب به زبان‌های دیگر وابسته‌اند. مطالعات آینده می‌توانند بررسی کنند که زبان‌های میانجی منطقه‌ای، مانند فرانسوی در مأموریت‌های حفظ صلح آفریقا یا روسی در دیپلماسی نظامی اروپای شرقی، چگونه بر نتایج دیپلماتیک تأثیر می‌گذارند.

۲. تأثیر بلندمدت آموزش زبان

این مطالعه عمدتاً مزایای کوتاه‌مدت مهارت زبانی در دیپلماسی نظامی را بررسی کرده است. پژوهش‌های آینده می‌توانند با رویکردی طولی بررسی کنند که برنامه‌های آموزش مستمر زبان چگونه روابط دیپلماتیک و همکاری‌های نظامی را در طول سال‌ها یا دهه‌ها تحت تأثیر قرار می‌دهند.

۳. نقش فناوری در کاهش موانع زبانی

پیشرفت در فناوری ترجمه و هوش مصنوعی امکان غلبه بر موانع زبانی در دیپلماسی نظامی را فراهم کرده است. مطالعات آینده می‌توانند تأثیر ابزارهایی مانند دستگاه‌های ترجمه هم‌زمان

نقش زبان در دیپلماسی نظامی: ایجاد روابط با نیروهای نظامی خارجی از طریق مهارت‌های زبانی / ۶۷

یا مترجمان مبتنی بر هوش مصنوعی را بر ارتباطات و همکاری‌های نظامی چندملیتی بررسی کنند.

۴. نقش جنسیت و زبان در دیپلماسی نظامی

تأثیر متقابل جنسیت و زبان در دیپلماسی نظامی تاکنون کمتر مورد مطالعه قرار گرفته است. پژوهش‌های آینده می‌توانند بررسی کنند که آیا زنان نظامی مهارت‌های زبانی و فرهنگی متمایزی دارند که تعاملات دیپلماتیک و ایجاد روابط را در محیط‌های چندفرهنگی تسهیل می‌کند.

۵. تأثیر سیاست‌های زبانی بر عملیات‌های نظامی چندملیتی

سیاست‌های زبانی در عملیات‌های نظامی بین‌المللی، مانند اولویت‌دهی ناتو به زبان انگلیسی، می‌توانند بر شمولیت، کارایی عملیاتی و عدالت دیپلماتیک تأثیر بگذارند. پژوهش‌های آینده می‌توانند این سیاست‌ها را تحلیل کرده و پیامدهای آن‌ها را ارزیابی کنند.

۶. نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش به مجموعه رو به رشد تحقیقات درباره نقش زبان در دیپلماسی نظامی افزوده و علاوه بر تأیید اهمیت آن، ابعاد جدید و چالش‌های موجود را نیز روشن می‌کند. پیوند میان مهارت زبانی، شایستگی فرهنگی و نتایج دیپلماتیک بر ضرورت سرمایه‌گذاری مداوم در آموزش زبان و آموزش میان‌فرهنگی برای نیروهای نظامی تأکید دارد. بررسی شکاف‌های پژوهشی مطرح‌شده، می‌تواند به درک جامع‌تری از چگونگی تأثیر زبان بر دیپلماسی نظامی در جهان به‌هم‌پیوسته و پیچیده امروز منجر شود.

Baartman, H. (2023). The impact of diplomatic language on international negotiations. *Global Journal of International Relations*, 1(1), 36–48.

Bakhaya, I. (2024). Aspects regarding aircraft propulsion the language barrier and its impact on operational efficiency: The role of psycholinguistics and overcoming communication obstacles in multicultural military environments. *Scientific Research & Education in the Air Force—AFASES*, 2024.

Castillo, S. E. (2017). The English language in the military: A study of peacekeepers. In *Authenticity in ELT: Selected papers from the 42nd FAAPI Conference* (pp. 22–31).

Er, M. (2012). The role of foreign language in the success of global military operations and English as a global lingua franca. *International Journal of Social Sciences and Humanity Studies*, 4(1), 279–286.

Erwin, S. I. (2005). Language barriers hinder multinational operations. *National Defense*, 90(620), 16–17.

Heimbürger, F. (2012). Fighting together: Language issues in the military coordination of First World War Allied Coalition warfare. In *Languages and the military: Alliances, occupation and peace building* (pp. 47–57). Palgrave Macmillan.

Hussain, S. M., Satti, S. M. J., & Khan, Z. (2024). AI-powered personalized learning: Advancing language education in the digital era. *Journal of Social Signs Review*, 2(4), 730–740.

Kurbalija, J., & Slavik, H. (Eds.). (2001). *Language and diplomacy*. Diplo Foundation.

Müller, K. E. (2002). Addressing counterterrorism: US literacy in languages and international affairs. *Language Problems and Language Planning*, 26(1), 1–21.

Muthanna, K. A. (2011). Military diplomacy. *Journal of Defence Studies*, 5(1).

NATO. (2023). Language policy and training in NATO operations. <https://www.nato.int>

Scott, D. (2012). Soft language, soft imagery and soft power in China's diplomatic lexicon. In *China's soft power and international relations* (pp. 39–63). Routledge.

Sintler, P. (2011). English as lingua franca in military meetings within a multinational peacekeeping mission. University of Vienna.

Tannenbaum, E. (2023). Negotiation and language in military diplomacy. *International Negotiation*, 28(3), 377–398.

Tomforde, M. (2010). Introduction: The distinctive role of culture in peacekeeping. *International Peacekeeping*, 17(4), 450–456.

Waruszynski, B. T., Yanakiev, Y., De Roeck, M., Resteigne, D., Lowen, J., McDonald, D., & Hertel, S. (2023). Military diversity in multinational defence environments: From ethnic intolerance to inclusion (NATO STO Technical Report No. NATO-STO-TR-HFM-301). DRDC-RDDC.

